



گفت و گوی پری شاهپوند با مریم خلیفه

می‌کند. در حالی که شاید تمام افراد یک جامعه درگیر زیستی به هر شکل آسان یا سخت باشند، هنرمند از هیچ مسئله‌ای چشم‌پوشی نکرده و در آن زندگی می‌کند و دچار دغدغه‌مندی می‌شود و با اعماق خود آن را به اثری هنری تبدیل می‌کند. گاه این اثر با افراد یک جامعه تعاملی مستقیم دارد و باعث همزادپنداری می‌شود و گاهی افراد با ارتباطی به گونه‌ای دیگر، برداشت شخصی خود را خواهند داشت که می‌توان گفت هیچ گاه جدای از هنرمند و اثر هنری نیست.

در نهایت این مهم وجود دارد که نمی‌توان تاثیر هنرمند و اثر هنری‌ای که برای مردم و از درون مردم باشد را، نادیده گرفت.

مجسمه‌سازی چقدر از محیط فردی و اجتماعی شما را در بر می‌گیرد؟

ارائه دغدغه‌های انسان به اشکال مختلف باعث خلق آثار در حوزه هنری در ادوار مختلف شده است. این پروژه نیز از این قائله مستثنی نیست. این مجموعه با عنوان «اینجا حقیقتی در من پنهان است»، به بررسی دهه‌ای از تاریخ گذشته اینجانب و تأثیرات اتفاقات و ترس‌های مختلف بر خواب‌های من می‌پردازد که پژوهش مربوط به آن در حدود یک سال و شش ماه به طول انجامید. مدت‌زمان آماده‌سازی آثار حدود یک سال بود و تکنیک آثار به شیوه قالب‌گیری و ریخته‌گری آلومینیوم صورت گرفت.

کنشگری هنرمند در مطرح کردن فردیت هنری خود و مسائل مختلف جامعه را چگونه توضیح می‌دهید؟ هنرمند از جامعه دور نیست. او انسانی است که در بین مردم زندگی

مریم خلیفه در سال ۱۳۶۷ در شهرستان مرودشت زاده شد. وی دارای مدرک فوق‌دیپلم نقاشی از دانشگاه هنر ارومیه و کارشناسی مجسمه‌سازی از دانشگاه هنر نیشابور است. او که عضو انجمن مجسمه‌سازان ایران می‌باشد، آثارش را در نمایشگاه‌های تهران، شیراز و مرودشت به نمایش گذاشته است. ایشان برگزیده بخش مجسمه‌سازی جشنواره فجر استانی (فارس) نیز بوده است. سطور پیش رو، گفتگویی است که نشریه با ایشان ترتیب داده است.

سرکار خانم خلیفه، لطفاً درباره پروژه انجام‌شده و مدت‌زمان آماده‌سازی آثار و تهیه مواد و ابزار توضیح بدهید.

مجسمه‌سازی و هنر برای من به اندازه تمام شغل و داشته و خواسته من از زندگی است.

آیا هنر برای شما تبدیل به یک امر ضروری در زندگی شده است؟

من حتی نمی‌توانم تصور کنم اگر وارد دنیای هنر نمی‌شدم، به شکل قطعی چه شغل یا حرفه‌ای را می‌توانستم انجام دهم؛ چون دنیای من از نوجوانی با هنر شروع شد و در تمام مراحل و تصمیمات زندگی شخصی و حرفه‌ای من نقشی پررنگ و اساسی را ایفا کرده است.

هر انسانی از نظر من یک زندگی کاری و یک زندگی شخصی دارد، اما در دنیای هنری این مسئله متفاوت است. هنرمند در هر حال هنرمند است؛ زیرا با شکل و دیدگاه هنری خاصی که دارد، باعث خلق آثار می‌شود. یک هنرمند حتی در عالم خواب و رویا هم دیدگاه هنری خاص خود را دارد و حتی از کوچک‌ترین الهامات ذهنی خود استفاده می‌کند و اثر هنری می‌آفریند.

مشکلات و دغدغه‌های خود به عنوان مجسمه‌ساز را توضیح دهید.

در وادی هنر، بعد از فارغ‌التحصیل شدن و یا خودآموزی، زندگی کاری هر هنرمند در جامعه به شکل متفاوتی خواهد بود. هنرمند وابسته به شغل‌های دولتی و یا ارگانی نیست و خود کارفرمای خود محسوب می‌شود. در این راه





همیشگی انسان‌ها با شخصیت پنهان‌شده هر فرد که در رویاهایش نمایان شده، بررسی می‌شود. اکنون این ترس‌ها جسمیتی تازه گرفته است و با گداخته‌های آتش و مواد مذاب با بدن مندیبه شکل گرفته و روحی ابدی می‌گیرد. شاید این، فریادی این بار شنیده شده باشد بر نفیر سور بی‌صدایی در خواب...

قبل از شروع به ساخت، آیا همه ایده‌ها را طراحی می‌کنید یا در مراحل ساخت، ایده‌ها تکامل پیدا می‌کنند؟ ایده‌های هر مجموعه ابتدا دغدغه من در زندگی شخصی مرتبط با جامعه است که بعد از تحقیق و بررسی جوانب مختلف و طراحی و اتوهای اولیه، تبدیل به آثار می‌شود؛ کما اینکه به علت نوع خاص ریخته‌گری‌ای که من انجام می‌دهم، امکان اتفاقاتی هم وجود دارد که من گاهی در بعضی از آثار در جهت مفهوم خاص از آن بهره می‌برم.

هنر چه نقش اساسی‌ای در زندگی و احساسات عمیق مردم می‌تواند داشته باشد.

هنرمند اگر درگیر مسائل مالی و مشکلات معیشتی باشد، چگونه می‌تواند به خلق اثر هنری پردازد؟

هنرمند حقیقی در پی ثروتمند شدن یا تبدیل شدن به غول وال‌استریت نیست، اما نمی‌توان مسائل مالی را از زندگی فرد جدا دانست. من به شخصه معتقد به فقیر بودن هنرمند نیستم؛ در صورتی که گاهی دنیای مدرن امروز تمام تصورات ذهنی و هر آنچه را به آن معتقدیم، به هم می‌ریزد.

چه کسی می‌داند که چه هنرمندهایی در همین کشور با فقر زندگی می‌کنند و شاید در آینده و یا حتی بعد از مرگشان تبدیل به یک اسطوره شوند؟ در جامعه‌ای که تمام معیارهای ارزشمند بودن و انسانیت در بین مردم تغییر کرده است و بازار افراد بی‌ارزش و تقلبی اینستاگرامی رونق گرفته، این سؤال پیش می‌آید آیا من راهم را درست انتخاب کرده‌ام؟

آثار نمایشگاه چه ایده و مفهومی را در خود دارند؟

مجموعه پیش رو حاصل تجربیات و دل‌مشغولی‌های روانی خود من است. تجربه‌ای تلخ از زیستن با رنج در برهه‌ای خاص از تاریخ، حاصلش رویاهایی با بدن‌های شرحه‌شرحه، ملتمس، دل‌سوخته و سرد است. این مجموعه بر اساس تجربیات من از خواب‌ها و رویاهایم شکل گرفته است و به عنوان مسئله

سختی‌هایی وجود دارد که هر کارفرمایی با آن درگیر است و در جامعه هنری، یک کارفرما، چه بسا بیشتر از هر شخص دیگر با مشکلات جدی روبرو خواهد بود. بعد از هر اتفاق در جامعه، چه فراگیر شدن یک بیماری یا در مسائل سیاسی، اولین قشری که ضربه‌ای مستقیم بر آن وارد می‌شود، قشر هنری است. اینکه اثر هنری و هنرمند در حاشیه زندگی روزمره مردم قرار گرفته، متأسفانه اتفاقیست که انکارناپذیر است؛ کما اینکه در جوامع مختلف دیگر، جایگاه هنری بسیار متفاوت است و بسیاری از هنرمندان نقش بسیار پررنگی در اتفاقات جامعه دارند.

هر فرد قبل از وارد شدن به دنیای هنری در ذهن خود ایده‌آل‌های زیادی دارد که بعد از مواجهه با واقعیات پیش رو ممکن است از راه هنری دور شود و به مسیر دیگری وارد شود. همان‌طور که شاهد هستیم، از تعداد ورودی‌های هر دانشگاه هنر، تعداد اندکی از دانش‌آموخته‌های هنری به حرفه خود ادامه می‌دهند. هر شخصی هم که موفق به ادامه راه شده، در دو حالت است؛ یا اینکه پشتوانه مالی خوبی داشته و یا به خاطر اهداف بزرگ خود، در سختی راهش را ادامه داده است.

همان‌طور که قبلاً هم عرض کردم، متأسفانه جامعه بستر مناسبی برای هنرمندان خلاق ندارد و از جامعه‌ای که درگیر اساسی‌ترین مسائل روزمره خود باشد، نمی‌شود انتظاری بیش از این داشت و به خاطر آورد که